



تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۱

بررسی نقش ائتلاف دینی و فرهنگی رهبران دینی برای صلح سازی در روابط بین الملل

سید علی ساداتی نژاد^۱

سید محمد ساداتی نژاد^۲

چکیده

از زمان تاسیس کرسی روابط بین الملل، صلح و نبود خشونت یکی از دلایل اصلی بحث و مجادلات نظری و عملی در جهان بوده است. تاکنون تئوری‌های زیادی در جهت ایجاد صلح و برقراری امنیت جهانی در عرصه مطالعاتی روابط بین الملل به وجود آمده است و در زمینه‌های عملی نیز سازمان‌های ملی و بین‌المللی زیادی برای بسط صلح در عرصه جهانی تاسیس و فعالیت می‌کنند. در این میان رهبران دینی به عنوان تنها متولیان فعالیت‌های دینی و فرهنگی، در ترویج صلح، نقش مهمی را در جامعه جهانی ایفا می‌کنند. این رهبران، علیرغم فعالیت‌های فرهنگی متنوع، برنامه گفتگو با سایر ادیان را برای ترغیب و تشویق احترام به حقوق بشر و برقراری صلح و عدالت اجتماعی در جهان دنبال می‌کنند و تلاش می‌کنند با هدف گفتگو، به مبانی

ali.sadatinejad@yahoo.com
sadatinejad@yahoo.com

۱ دبیر سیاسی روزنامه سراج و عضو هیات مدیره جمعیت ندای صلح
۲ پژوهشگر ارشد روابط بین الملل و مدیر عامل جمعیت ندای صلح



مشترک دست یابند و بر این اعتقاد هستند که تنها در صورت درک و تعامل متقابل و احترام به عقاید یکدیگر است که زمینه لازم برای رفع سوءبرداشت‌ها و کاهش نزاع‌های بیهوده و نهایتاً بسترهای فهم مشترک محقق خواهد شد. مقاله حاضر، ضمن مروری بر مفهوم صلح، به بررسی نقش رهبران دینی در ترویج صلح در میان ملت‌ها و ارائه راهکارهایی که این رهبران به واسطه آن می‌توانند برای صلح‌سازی، در عرصه روابط بین‌الملل تأثیرگذار باشند، پرداخته است.

واژگان کلیدی: صلح، صلح‌سازی، رهبران دینی، روابط بین‌الملل



مقدمه

تاریخ زندگی بشر از بدو خلقت گرفته تا به امروز که بشریت به دوران به اصطلاح پست مدرنیسم گام نهاده، همواره با مساله و مشکل جنگ دست به گریبان بوده و هست. بشر از روزی که پا روی این کره خاکی گذاشته، تا امروز که شریعت خود را در بالاترین مرحله مدنیت احساس می‌کند هیچ وقت از جنگ و خونریزی، قتل و کشتار فارغ نبوده است. (رسولی ۱۳۹۴)

صلح از قدیمی‌ترین آرمان‌های بشری است و به دلیل اینکه بیش از هر ارزش دیگری در معرض تهدید و مخاطره بوده است، انسان‌ها چه از نظر تئوریک و چه به لحاظ راه حل‌های عملی مقطعی در تلاش چاره‌جویی برای رسیدن به آن بوده‌اند. تاریخ سیاسی جهان شاهد عهدنامه‌ها و قراردادهای دو یا چندجانبه متعدد میان دولت‌هاست که نمایانگر گوشه‌ای از فعالیت‌های بشری در راه برقراری صلح و همزیستی است. در حقیقت تلاش برای صلح همواره به موازات اقدام برای تجاوز و جنگ‌افروزی در روابط بین ملت‌ها ادامه داشته است. (رسولی ۱۳۹۴)

دین همواره در طول تاریخ حیات بشری از عوامل تاثیرگذار بر زندگی بشر چه در سطح فردی و داخلی و چه در سطح بین‌المللی بوده و در حال حاضر در عرصه معادلات نظام بین‌الملل هم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در آینده هم با توجه به روندهای موجود (جهانی‌شدن) شاهد پررنگ شدن نقش دین در ابعاد مختلف روابط بین‌الملل (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ...) خواهیم بود. (پورامان ۱۳۹۶)

در این بین، اسلام آیینی جامع، فراگیر و جاودانه است و مخاطبان احکام اسلامی، نژاد و گروه خاصی در زمان و مکان ویژه‌ای نیستند، بلکه همه مردم از هر نژاد و ملیتی، با هر زبان و فرهنگی و دارای هر عقیده و مرامی، در سراسر گیتی و در همیشه



تاریخ، مخاطب پیام‌ها و احکام اسلام هستند. در قرآن مجید نیز چندین آیه در خصوص جهان‌شمولی اسلام و فراگیری احکام آن آمده است، از جمله این که همه انسان‌ها را به توحید و پرهیزکاری و دیگر اصول فرا می‌خواند، «تو را به پیامبری نفرستادیم، مگر بر همه مردم مژده‌دهنده و بیم‌دهنده.» (پورامان ۱۳۹۶)

از آنجا که از عمده‌ترین دغدغه‌ها در حوزه روابط بین‌الملل، جلوگیری از وقوع جنگ و حفظ صلح می‌باشد لذا توجه به آراء و عقاید اسلام در این حوزه مهم و چالش‌برانگیز، ضروری می‌باشد. از نظر اسلام، نه جنگ اصل است (آنگونه که رئالیست‌ها می‌اندیشند) و نه صلح همیشگی است، (آنگونه که ایده‌آلیست‌ها باور دارند) بلکه از نظر اسلام پدیده جنگ و صلح واقعیت عینی تاریخ بشر را تشکیل می‌دهند. اما در نهایت اسلام با توجه به رسالت جهانی‌اش در مورد دعوت همگان به سعادت و کمال همواره ایجاد رابطه مسالمت‌آمیز را دنبال نموده و در روابط خارجی‌اش با جوامع بیگانه، اصل را بر همزیستی مسالمت‌آمیز قرار می‌دهد. از سوی دیگر، چون از دیدگاه اندیشه اسلامی، صلح پایدار تنها بر محوریت قسط و عدالت اجتماعی استوار می‌گردد و ظلم و نابرابری، مهمترین عامل تهدیدکننده عدالت محسوب می‌شود، اسلام برای رسیدن به صلح عادلانه، مبارزه با ظلم را تجویز می‌کند. اسلام به طور کلی مخالف با اصل برتری‌طلبی در صحنه روابط اجتماعی و به تبع آن در روابط بین‌الملل می‌باشد و از آنجایی که برتری‌طلبی منجر به ایجاد و استقرار ظلم در نظام بین‌الملل می‌شود به دنبال این موضوع بنیادی می‌باشد که روابط بین‌الملل باید به گونه‌ای ساماندهی شود تا در آن امکان تعریف و کاربرد ظلم به حداقل ممکن برسد. (سیمبر ۱۳۹۵: ۵۴-۵۵)

علیرغم تمام هجده‌ها و تلاش‌های دین‌ستیزان در عصر حاضر، در بررسی‌های موردی از دین شاهدیم عنصر دین نه تنها باعث همبستگی بین ملل و مذاهب مختلف شده بلکه باعث بیداری میان ملت‌های ستم‌دیده از سوی نظام‌های مستبد



و خودکامه پادشاهی شده است. (پورامان ۱۳۹۶)

امروزه جهان با بحرانی شدید روبرو است، بحرانی که امنیت و صلح جهانی را به مخاطره انداخته است و مشکل را به جایی رسانده که می‌توان ادعا کرد، در هیچ عصری از تاریخ بشریت روابط انسان‌ها تا این حد کینه‌توزانه نبوده است. همانطور که شاهد هستیم در سال‌های اخیر رشد روزافزون تروریسم در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا موجب بی‌ثباتی در این منطقه پر آشوب شده است. (پورامان ۱۳۹۶)

متأسفانه علیرغم تصویب اسناد بین‌المللی و فعالیت بسیاری از صلح‌طلبان همچنان شاهد افزایش جنگ و خشونت در سراسر جهان هستیم. از اینرو شاید بهتر باشد یکبار دیگر بر مفهوم صلح و راهکارهای رسیدن به آن تمرکز کنیم و برای تحقق صلح در جهان تلاش کنیم. (رسولی ۱۳۹۴)

لذا در این مقاله، ضمن مروری بر مفهوم صلح، به بررسی نقش رهبران دینی در ترویج صلح در میان ملت‌ها و ارائه راهکارهایی که این رهبران به واسطه آن می‌توانند برای صلح‌سازی، در عرصه روابط بین‌الملل تأثیرگذار باشند، می‌پردازیم.

مفهوم صلح

صلح در لغت به معنای «آشتی، سازش» (عمید ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۳۶۶) «سازش کردن، آشتی کردن» و «توافق» (معین ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۱۶) آمده است. در لغت‌نامه دهخدا نیز «آشتی»، «سلم» و «تراضی بین متنازعین» و «سازش» از معانی صلح دانسته شده است. (دهخدا ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۳۲۴۹-۱۳۲۴۸) صلح رفع اختلاف، آشتی، پایان دادن به حالت جنگ و مسالمت است (انیس و همکاران ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۱۰۶) علاوه بر تعاریف ذکر شده، تعاریف متعددی از صلح گفته شده است، از جمله استاد مطهری فرموده‌اند صلح معنایش این است، همزیستی شرافتمندانه، نه این که از یک طرف تجاوزگری



و از طرف دیگر تسلیم شدن در مقابل ظلم باشد (مطهری ۱۳۶۱: ۱۶) و همچنین در اصطلاح سیاست، صلح یعنی حالت آرامش و نبودن مخاصمات در سطح بین‌المللی یا منطقه‌ای. (نعمت‌اللهی ۱۳۷۹: ۹۲) مقصود از صلح، سازش، تسلیم یا استسلام نیست، بلکه به دنبال وجود روابط عادی، طبیعی و آرام میان ملت‌هاست. (برزنونی ۱۳۸۴: ۸۱-۸۲) صلح، حالتی است که در آن، جنگ حکم فرما نباشد. (جعفری لنگرودی ۱۳۸۴: ۴۰۸) صلح تا قبل از تأسیس ملل متحد در روابط بین‌المللی نیز همین مفهوم را داشت. (بیگزاده ۱۳۸۹: ۵۱۶) صرفاً فقدان جنگ به معنای برقراری و تداوم صلح نیست بلکه انجام هر عملی که در تعارض با عدالت باشد ممکن است سبب تهدید صلح و نقض آن شود. این دیدگاه پس از پایان جنگ سرد قوام یافت.

واژه صلح در لغت به معنای مسالمت، سازش و از بین بردن نفرت در بین مردم است. «سلم» و «سلام» در لغت به معنای «صلح» و «آرامش» می‌باشد. (مکارم شیرازی ۱۳۵۳، ج ۲: ۸۱) بنابراین «صلح» در فقه سیاسی اسلام به معنای آرامش و همزیستی مسالمت‌آمیز است، زیرا اسلام آیین صلح و صفا می‌باشد. از دیدگاه اسلام، صلح پایدار فقط در پرتو ارزش‌های فطری ممکن است و با تکیه به قوانین مادی صرف، هرگز جنگ و اضطراب از دنیا برچیده نخواهد شد.

صلح‌سازی نسبتاً یک کلمه نو است، ولی نظریات و سنت‌ها در عقب صلح‌سازی ریشه‌های عمیق در تمام فرهنگ‌ها دارد. صلح‌سازی به جوامع کمک می‌کند تا از خشونت جلوگیری کرده و از هر نوع خشونت بیرون آیند. صلح‌سازی در جهت برآورده شدن تمام اشکال نیازمندی‌ها و حقوق به گونه فعال در داخل جوامع ظرفیت ایجاد می‌کند. (اعتمادی ۱۳۹۱)

آتهایی که در راستای صلح‌سازی فعالیت می‌کنند، ضرورت دارد تا سنت‌های صلح‌سازی در فرهنگ خودشان را کشف کنند، تجارب اعمار صلح از سایر فرهنگ‌ها



را با فرهنگ خودشان وفق داده و ظرفیت‌های صلح‌سازی را در داخل جوامع‌شان شناسایی کنند و همچنان دیگران را ترغیب و توانا بسازد تا در پروسه صلح‌سازی بپیوندند. صلح‌سازی مسئولیت بازیگران متعدد است، حکومت‌ها، مراکز دینی، رهبران دینی و جامعه مدنی می‌تواند در تمام سطوح جامعه انجام پذیرد. (اعتمادی ۱۳۹۱)

صلح و دوستی و همدلی بین جوامع و پرهیز از تفرقه و دشمنی، خواسته اسلام بوده و مایه وحدت جامعه است. صلح و دوستی در اسلام یک مساله ریشه‌داری است که ارتباط ناگسستگی با طبیعت اسلام دارد و به طور کلی روح و محتوای فرهنگ دینی ما بر پایه «ارتباط»، «صمیمیت»، «تعاون»، «همدردی» و «عاطفه» استوار است و جلوه‌های این فرهنگ بالنده نیز در دستورالعمل‌های اخلاق اسلام دیده می‌شود، اسلام به طور آشکار و صریح مسلمانان را به پذیرش صلح و دوستی دعوت کرده و به آنان افزایش ارتباط و صمیمیت را توصیه می‌کند، خداوند صلح را بر جنگ ارج نهاده و قبل از آن که مسلمانان را به جنگ با دشمنان فرا بخواند، آنها را به صلح و دوستی، فرا خوانده است. اسلام مسلمانان را برادران دینی هم می‌داند و افراد غیر مسلمان را به عنوان هم‌نوع مسلمین دانسته و صلح را تنها مخصوص مسلمانان نمی‌داند بلکه در مورد غیر مسلمانانی که هیچ ظلمی به مومنین نکرده و در عهد خود پایبند هستند نیز جایز می‌داند. به عبارت دیگر، اساس روابط مسلمانان با غیر مسلمانان بر مسالمت و رفتار نیکو می‌باشد. اسلام هیچگاه به پیروان خود اجازه قتل و کشتار پیروان مذاهب دیگر را نمی‌دهد و وجود عقاید مخالف، مجوزی برای رفتار خصمانه نمی‌باشد، بلکه اسلام به پیروان خود دستور می‌دهد با مخالفین، رفتار مبتنی بر عدالت و قسط داشته باشند. این نظریه قائل به «کرامت انسانی» است. غیر مسلمانان از آن جهت که در انسانیت با مسلمانان شریک هستند دارای احترام می‌باشند، هر چند در عقیده و مذهب متفاوت هستند. (قربانی ۱۳۷۵: ۳۷۴-۳۷۳)



به عبارت دیگر، در اسلام، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان و مذاهب دیگر، به عنوان «قاعده اساسی» ملاحظه شده است. بنابراین، جنگ یک حالت استثنایی بوده و آن در صورتی است که راهکارهای مسالمت‌آمیز به جایی نرسد. (رسولی ۱۳۹۴)

برخی از ویژگی‌های صلح در اسلام

در اسلام - به عنوان آخرین و کاملترین دین الهی و به حکم غنای ذاتی و مطابقت با فطرت انسانی و قدرت اقناع و تغذیه اندیشه‌ها و ویژگی عقلانی بودن - صلح و آرامش مطلوب و استقرار آن هدفی متعالی است. در اینجا به ویژگی‌های صلح از نظر اسلام اشاره می‌کنیم:

شرافتمندانه بودن صلح

اسلام خواهان صلح شرافتمندانه، مسالمت‌آمیز، با احترام و رعایت حقوق متقابل است. در اسلام، اعتقاد به صلح به معنای پرهیز از جنگ به هر قیمت و تحت هر شرایطی نیست و هرگز نمی‌توان به بهانه صلح‌طلبی از جنگ با دشمن متجاوز رویگردان شد، یا ندای صلح‌خواهی او را که در واقع پوششی برای تثبیت یا ادامه تجاوز و ارائه یک چهره صلح‌طلبانه است، اجابت کرد. تجاوز را با صلح پاسخ گفتن، در واقع تسلیم در برابر ظلم و زیر پا گذاشتن شرافت انسانی و از همه مهمتر تشویق متجاوز و مشروعیت دادن به تجاوز است. صلح و سازشی که کرامت انسانی مسلمانان را به ننگ خواری و حقارت آلوده سازد و ظلم و تجاوز را بر کرسی مشروعیت بنشاند، به هیچ‌وجه مورد تأیید اسلام نیست. (مطهری ۱۳۹۶: ۱۶) از اینرو، قرآن کریم درخواست صلح را در شرایطی که جنگ تنها چاره است، به عنوان سازشی



ذلت‌بار نکوهش و نهی می‌کند (فلا تهنوا و تدعوا الی السلم و ائتم الاعلون واللّه معکم و لن یتزکم اءعملکم، محمد ۴۷، آیه ۳۵) پس هرگز سست نشوید و [دشمنان را] به صلح دعوت نکنید، در حالی که شما برترید و خداوند با شماست و چیزی از (ثواب) اعمالتان را کم نمی‌کند. عزت اسلام و امت اسلامی از ملاک‌های اساسی مشروعیت صلح است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. امام علی (ع) ترجیح صلح بر جنگ را در صورتی می‌پذیرد که سستی و خلی در عقیده به اسلام رخنه نکند، از اینرو امیر مومنان علی (ع) می‌فرماید «مسالمت و صلح را از آن گاه که موجب سستی در اسلام نگردد، از جنگ سودمندتر یافتیم» (خبرگزاری دفاع مقدس ۱۳۹۳)

ریشه‌دار بودن صلح

صلح در اسلام، صوری و ظاهری نیست و صلح‌طلبی تنها یک ادعا و تاکتیک موقت و گذرا و حربه‌ای تبلیغاتی برای ارائه چهره‌ای بشردوستانه و خلع سلاح رقیب به شمار نمی‌رود، بلکه از ژرفای رافت و شفقت دین اسلام به خلق و حرص و ولع بسیار به سعادت آنان سرچشمه می‌گیرد. صلح در اسلام به پشتوانه‌ای از صداقت، احترام عمیق به حقوق واقعی بشر و علاقه وافر به حفظ جان و مال و آبروی انسان‌ها و آزادی تفکر و انتخاب آگاهانه بشر متکی است. از اینرو، ندای صلح را آنگاه ارزشمند و راهگشا می‌داند که از جان انسان‌های با وجدان و آگاه و نوع‌دوست و خیرخواه و نه از زبان انسان‌های دوچهره خودخواه و بی‌تفاوت برخیزد. گواه این مدعا آن است که اسلام حق حیات انسان‌ها را به عنوان حق اصیل و طبیعی، سخت محترم می‌شمرد و حفظ زندگی یک نفر را با حفظ حیات همه انسان‌ها برابر و کشتن یک نفر را از روی ظلم و فساد با کشتن همگان یکسان می‌داند زیرا همه انسان‌ها در حقیقت انسانیت مشترکند و هر کس چنین حقیقتی را برای يك نفر قائل نباشد، برای هیچکس قائل



نخواهد بود. اسلام برای حفظ گوهر شریف حیات و نشان دادن اهمیت زیادی که برای آن قائل است، حق قصاص را برای صاحبان خون به ناحق ریخته در نظر گرفته است. (خبرگزاری دفاع مقدس ۱۳۹۳) امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید بپرهیز از خون‌ها و ریختن آن به ناروا که چیزی چون ریختن خون به ناحق آدمی را به کیفر نرساند و گناه را بزرگ نگرداند و نعمت را نبرد و رشته عمر را نبرد، و خداوند سبحان روز رستاخیز نخستین داوری که میان بندگان کند، در خون‌هایی باشد که از یکدیگر ریخته‌اند. پس حکومت خود را با ریختن خونی به حرام نیرومند مکن که خون به حرام ریختن، قدرت را به ناتوانی و سستی کشاند، بلکه دولت را از صاحب آن به دیگری بگرداند. (شهیدی ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۳۹)

همه‌جانبه بودن صلح

صلح در اسلام، صلحی همه‌جانبه است، به این معنا که به گستره روابط بین‌الملل محدود نمی‌گردد و تنها به چگونگی ارتباط دنیای اسلام با دنیای خارج نمی‌پردازد، بلکه همه شئون زندگی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. اسلام در ابتدا، صلح و آرامش را در نهان انسان با ایجاد سازش میان قوای درونی و ارضای خواسته‌های طبیعی تحت حاکمیت عقل و به دور از هرگونه افراط و تفریط می‌آفریند. سپس پای در محیط خانواده می‌گذارد و اساس این کانون را بر پایه صلح و آرامش بنیان می‌نهد و اعضای آن را به برقراری روابطی صمیمانه توصیه می‌کند (بقره (۲) آیه ۸۳، نساء (۴) آیه ۳۶، اسراء (۱۷) آیه ۲۳) و به هنگام اختلاف و کدورت، باز هم راه سازش و مسالمت را پیشنهاد می‌کند. در محیط اجتماعی نیز مومنان را برادر یکدیگر می‌خواند و از آنان می‌خواهد تا در میان خود بذر محبت بیفشانند. (خبرگزاری دفاع مقدس ۱۳۹۳)



اصالت و حقیقت صلح

چنانکه گذشت راهبرد اساسی اسلام حفظ صلح و امنیت و منع توسل به زور، مگر در شرایط ضروری است. این مسئله در منشور ملل متحد با سرلوحه قرار دادن «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» (بند ۱ و ۲ ماده ۱) مورد توجه قرار گرفته و سپس اعلام می‌دارد «کلیه اعضا، اختلافات بین‌المللی خود را به وسایل مسالمت‌آمیز، به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد، حل خواهند کرد. (بند ۳ ماده ۲) بنابراین اصل اولیه «خودداری از توسل به جنگ و فشار» مشترک در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر است، لیکن چند نکته در این باب درخور توجه است. (شاکرین ۱۳۸۷: ۱۶)

پیشینه این اصل در اسلام به ۱۵ قرن قبل یعنی آغاز ظهور اسلام برمی‌گردد و از این جهت اسلام قرن‌ها از حقوق بین‌الملل معاصر پیشی گرفته است. (دانش‌پژوه و خسروشاهی ۱۳۹۰: ۱۱۹) مارسل بوازار محقق انستیتوی تحقیقات عالی بین‌المللی در ژنو با تمجید از دیدگاه‌های جهانی اسلام و امتیازات خاص آن، می‌نویسد «... اسلام در صدد ساختن جهانی است که همه مردم، حتی آنان که به دین سابق خویش وفادار مانده‌اند، با تفاهم و همکاری و برادری و برابری کامل زندگی کنند...» (بوازار ۱۳۵۸: ۱۰۵) او فراتر رفته و می‌نویسد «باید اذعان کنیم که پیغمبر اسلام، بنیانگذار حقوق بین‌الملل بوده است.» (بوازار ۱۳۶۱: ۲۷۰) و در جای دیگر با اسوه خواندن پاره‌ای از آموزه‌های حقوق بین‌الملل در اسلام می‌گوید «این حقیقتی است بدیهی که حقوقدانان مسلمان ده قرن پیش از ژان ژاک روسو به دست داده‌اند.» (بوازار ۱۳۶۹: ۱۰۷)

موارد استثنای اصل فوق در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر، تا حد زیادی بر هم منطبق است، هر چند تا حدودی نیز اختلاف وجود دارد، لیکن به نظر می‌رسد



که جهت‌گیری حقوق بین‌الملل معاصر به سمت حقوق بین‌الملل اسلام می‌باشد. پیدایش دکترین‌های مداخله بشردوستانه (Interventions Humanitarian) و مشروعیت جنگ به منظور کسب آزادی ملی (مبارزه مشروع یا نهضت‌های آزادی‌بخش ملی) (National Liberation Movements) شاهد بر این مدعاست. (حسینی ۱۳۸۲: ۱۷۰-۱۶۹)

اما تفاوت صلح در نگاه اسلامی آن است که آنچه در منشور ملل متحد آمده است صرفاً نگاشته‌هایی نقش بر کاغذ است و پیش قراولان آن اولین ناقضان آن هستند. در حالی که اصول عالیه اسلام توسط پیشوای آن یعنی پیامبر (ص) و جانشینان او به خوبی رعایت گردیده و مسلمانان نیز در طول تاریخ پایبندی نسبتاً خوبی به آنها نشان داده‌اند، این مسئله چنان که گذشت توسط برخی از اندیشمندان منصف غربی مورد اعتراف و ستایش قرار گرفته است. (شاکرین ۱۳۸۷: ۱۶)

ارتباط و تعاون بین‌المللی در تأمین نیازمندی‌های بشر همواره مورد توجه جوامع بشری بوده است. در عصر حاضر نیز لوایح متفاوتی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب جامعه بین‌الملل رسیده است، اما متأسفانه این لوایح در حد قراردادی اخلاقی بوده است و هیچگونه تعهد الزام‌آوری برای حکومت‌ها ندارد.

عادلانه بودن صلح شرط پایداری صلح

رعایت «عدالت اسلامی» در اندیشه سیاسی اسلام، به عنوان اساسی‌ترین اصل در روابط دولت‌ها و ملت‌ها منظور گردیده است و به همین دلیل، در حقوق اسلامی از فرصت‌های مناسب برای برقراری و تحکیم پیمان‌های صلح در روابط خارجی بهره‌برداری می‌گردد. (پورامان ۱۳۹۶)

اسلام برای تحقق بخشیدن و گسترش صلح در میان ملت‌ها و جلوگیری از بروز روابط خصمانه، ملت‌ها و دولت‌های دیگر را به انعقاد پیمان‌های صلح دعوت کرده



و به جامعه اسلامی توصیه نموده است که در این زمینه، همواره پیشرو باشد، چرا که اسلام، ارتباط و همزیستی با ادیان و ملل را به صورت «اصل» و «قاعده اساسی» در نظام تشریع خود در نظر داشته است. (پورامان ۱۳۹۶)

تاریخ روابط بین الملل اسلام گواه صادقی بر قدمت نظام حقوق بین الملل اسلامی است و میزان گرایش جامعه اسلامی به ایجاد روابط بین المللی و احترام به مقررات حاکم بر آن را نمایان می‌کند. از اینرو بحث از رابطه، همکاری، تعاون، روابط مسالمت‌آمیز، وحدت، همگرایی و دستیابی به صلح عادلانه در قاموس اسلامی گسترده است. (پورامان ۱۳۹۶)

صلح متحدانه بر محور اخلاق و دین، شرط پایداری صلح

طرح اسلام برای نظام بین الملل، رسیدن به امت واحد جهانی است. این طرح با فدراسیون جهانی یا جامعه مدنی جهانی متفاوت می‌باشد، زیرا بر محور روابط عادلانه، بر پایه وحدت عقیده استوار است. با نگاهی اجمالی به هدف از خلقت انسان و بعثت انبیا و ارسال پیامبران الهی و امامان (ع) مشخص می‌شود که انسان جهت پرستش خدای یگانه خلق شده و رسولان الهی جهت نجات بشر از ظلمت و مسیر باطل فرستاده شده‌اند و این امر، خاص یک سرزمین یا قوم خاص نیست. بر این اساس، اقامه دین خدا، دعوت به همزیستی مسالمت‌آمیز، رفع ظلم و ستم، گسترش ارزش‌های الهی انسانی و برقراری قسط و عدل از اهداف اسلام در چارچوب امت واحد جهانی است و برای دستیابی به جامعه جهانی صلح‌آمیز، رفع تعصبات نامعقول، جهالت‌ها و ارتقای دانش و معرفت انسان‌ها ضروری است. (پورامان ۱۳۹۶)

بنابراین همه ادیان آسمانی و پیامبران الهی مروج توحید و منجی بشریت و منادی صلح، امنیت و رفتار محبت‌آمیز نسبت به پیروان دیگر ادیان و مذاهب می‌باشند،



ولی پیروان ادیان با گذشت زمان و در اثر دوری از رهبری اولیای خدا، به تدریج انحرافات را پذیرا شده و گاه تحت تاثیر ملل دیگر، منکر و مانع ارتباط با پیروان دیگر ادیان و مذاهب شدند، چنان که پیروان دین یهود و مسیحیت به نژادپرستی رو آورده و در این راستا جنگ‌های بسیاری به راه انداختند و انسان‌های فراوانی را به قتل رساندند، که البته در این زمینه یهودیان شدت عمل بیشتری داشته‌اند و در این قوم، تضاد با حقوق بین‌الملل به وضوح مشاهده می‌شود. آنان علاوه بر اینکه معتقد به برتری نژاد خویش می‌باشند، دیگر ملل را در خدمت خود می‌انگارند. اما از نظر اسلام، ارتباط مسالمت‌آمیز مسلمان‌ها با عقاید و مذاهب گوناگون، یک ارزش و هدف است. (پورامان ۱۳۹۶)

بنابراین گفتمان اسلامی روابط بین‌الملل، رابطه امت اسلامی با دیگر واحدهای سیاسی را بر پایه اصل صلح قرار می‌دهد. اسلام، دین صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است و از اینرو، امت اسلامی امت صلح‌جو و زندگی مسالمت‌آمیز می‌باشد. بر اساس اصل عدالت، تمامی رفتارهای امت اسلامی در تعامل با امت‌های دیگر باید بر اساس معیار عدالت تنظیم شود. (پورامان ۱۳۹۶)

راهکارهای دینی و فرهنگی برای صلح‌سازی در روابط بین‌الملل

در اینجا مسئولیت خطیری را که رهبران دینی برای صلح‌سازی در روابط بین‌الملل بر عهده دارند و مهمترین راهکارها را، در دو بعد دینی و فرهنگی تبیین می‌نماییم:

رهبران دینی به گفتگوهای بین دینی اهمیت دهند

اهمیت گفتگوی ادیان با اندیشمندان دینی حاکم از آن است که هیچ یک از متون دینی، خشونت و افراط‌گرایی را تایید نمی‌کند. رهبران دینی و نیز ادیان الهی هر گونه



خشونت و افراط‌گرایی را در دین رد می‌کنند، اما متاسفانه در اعصار مختلف مشاهده می‌شود که به نام دین، خشونت ترویج و از صلح فاصله گرفته می‌شود. بر همین اساس، رهبران دینی، می‌بایست در مقابل کسانی که نسبت به ارزش‌ها و ادیان الهی بی‌توجه هستند، جبهه‌ای به منظور شناسایی نقش و مسئولیت خود تشکیل دهند. (رسولی ۱۳۹۴)

از آنجا که مسئولیت رهبران و در حقیقت تمام مومنان این است که بی‌عدالتی و ظلم را در تمام اشکال آن محکوم نمایند و عدالت را در کل جهان اشاعه دهند. گفتگوهای دینی، به انسان‌ها انگیزه می‌دهد و آنها را در پیاده کردن عدالت و صلح توانمند می‌سازد و این مهم نیز جز با فهم یکدیگر و از طریق گفتگو، دست‌یافتنی نیست. به عبارت دیگر، هدف از گفتگوهای بین دینی این است که طرفین به مثابه یک نهاد بنیادین، تهدیدات نسبت به صلح جهانی را بیان نمایند و در ترویج و برقراری آن گام بردارند. (رسولی ۱۳۹۴)

مشورت رهبران دینی با یکدیگر در حفظ وحدت و انسجام موثر است

اگر رهبران دینی، فتاوا، نظرات و افکارشان در جهت حفظ آرامش، صلح و دوستی باشد مردم نیز آن نظرات و افکار را به عنوان آرا و فرهنگ دینی خود تلقی می‌کنند و رفتارشان را به سمت‌وسوی محبت، صلح، آرامش، دوستی و احترام به دیگران تنظیم می‌کنند. توده مردم معمولاً عقاید، افکار و فرهنگ دینی خود را از علما و رهبران دینی خود می‌گیرند و رفتار آنها هم بر اساس عقاید و فرهنگ انسان صورت می‌گیرد. اگر رهبران دینی خودشان نظراتی خشن و تندی را مطرح و از آنها پشتیبانی کنند و بر تعصبات افراطی مذهبی دائماً تاکید کنند مقلدین آنان نیز به همان سمت حرکت می‌کنند. بنابراین رهبران دینی که نقش تزریق فکر به جامعه را بر عهده



دارند باید بدانند که اگر این فکر خشونت‌آور باشد باعث ایجاد درگیری، تفرقه و حرکت‌های تند و خشن می‌شود، اما اگر آن فکر و اندیشه در جهت صلح، دوستی، آرامش و محبت میان مردم باشد رفتارهای مقلدین هم به همان سمت خواهد رفت. این نقش فکری و فرهنگی رهبران دینی بسیار موثر است مخصوصاً جایگاه علمای دین که فکر و اندیشه آنان در واقع فکر و اندیشه دین، خدا و شریعت تلقی می‌شود، از حساسیت بالاتری برخوردار است. این رهبران باید اولاً با هم شور و مشورت بیشتری داشته باشند و جلساتی جهت انس با یکدیگر برگزار کنند و این نشست‌های میان مراجع و علما، چه مراجع شیعه و یا علمای سایر فرق و مذاهب خیلی موثر است، چون در خیلی از موارد، دوری موجب برخورد و تضاد و کشمکش می‌شود ولی تعامل دوستی، مهربانی و صلح ایجاد می‌کند. لذا ملاقات حضوری رهبران دینی و مذهبی بسیار موثر است، زیرا این رفتار باعث می‌شود که به همدیگر نزدیکتر شوند. این حضور و براساس روایات «تزاور»، به معنای این است که ما باید با هم بنشینیم و همدیگر را از نزدیک زیارت کنیم که اگر این رفتار در میان علما زیاد انجام شود اثر مثبت بسیاری در حفظ وحدت، انسجام و هماهنگی دارد. (غروی‌ان ۱۳۹۲)

شناساندن دین اسلام به عنوان دین صلح و دوستی

منطق دین و اصل در دین رحمت، عطوفت، مهربانی، ملاطفت، نرمی، آسایش، رفاه و راحتی انسان‌هاست. اگر بپذیریم دین متضمن دو اصل اساسی است که یکی عبارت است از وجود یک حالت غیر خشن و پر از مهر و عطوفت و اخلاق انسانی و دیگری اصل صلح، در نتیجه جنگ را به عنوان امر فرعی و مربوط به شرایط خاص و سخت‌گیری را یک امر مربوط به حالت‌های استثنایی می‌دانیم. بر این اساس به دست می‌آید که عالم و رهبر دینی به دلیل آشنایی بیشتر با این دو اصل می‌تواند



از خاستگاه دین به طرح این دو اصل و اثبات آن اولاً و ارائه جلوه‌ها و مظاهر آن در دین ثانیاً و اتخاذ مواضع بر اساس این دو اصل یاد شده ثالثاً بپردازد. از آنجا که این اظهار نظر و تعریف و فعالیت عملی از خاستگاه دین است می‌تواند دین را هر چه بیشتر به مردم بشناساند و نقش آن را در این دو زمینه ارائه کند و به لحاظ نفوذی که دین در جامعه دارد این حرکت اخلاقی انسانی غیر خشن را هر چه بیشتر ترویج دهد. پل ارتباطی بین دین و مردم، علما و رهبران دینی هستند و اصولاً دین آمده تا تقرب به خداوند را پایه‌ریزی کند و تقرب هم یک امر وجودی است چون در خداوند رحمت، اصل است و غضب و خشم مربوط به حالت‌های استثنایی است که آن هم به خداوند بازگشت نمی‌کند بلکه به طرف‌هایی که مورد غضب قرار می‌گیرند مربوط می‌شود. از آنجا که خداوند رحمت مطلق است نزدیک شدن به خداوند یعنی تحقق یک وجود مهربان، غیر خشن و پر رحمت و به این دلیل پیامبر (ص) که نزدیک‌ترین شخص به خداوند بود رحمه للعالمین لقب گرفتند و بر این اساس خشونت و جنگ در دین اصل نیست، بلکه آنها مربوط به شرایط خاصی است که یک جامعه برای دفاع از خود اقدام می‌کند. رهبران دینی باید با این منطق دین را بشناسند و ما نباید مسائل فرعی را پررنگ کنیم تا جای اصل را بگیرد و دین را چنان نشان دهیم که گویی اصل در دین این است که بر مدار کشتن و قتل باید به پیش رفت. (مبلغی ۱۳۹۲)

بایه و اساسی دین اسلام، صلح و آرامش است

اگر مبلغین می‌خواهند در راستای تبلیغ دین موفق باشند باید چکیده دین یعنی صلح و آرامش بر مبنای توحید و ولایت را آنگونه که مدنظر اهل بیت (ع) است، معرفی کنند. مبلغان دینی باید آن چیزی که اسلام از آنها خواسته را منتشر کنند، اگر



اینگونه شود تمام جهان به سمت صلح و آرامش حرکت می‌کند چرا که پایه و اساس دین اسلام، صلح و آرامش و تحمل عقیده‌های مختلف است. اگر در قسمتی از دین ما اشاره شده که در مقابل کفار محکم بایستیم، برای موارد خاص است به دلیل این‌که صلح و آرامشی که مدنظر اسلام است بر هم نخورد. تمام ادیان انسان‌ها را به صلح و آرامش دعوت کرده است و دین اسلام هم یک دین صلح‌آور است. اگر به جنگ‌هایی که پیامبر در مدینه داشته دقت کنیم در آن ۱۰ سال تعداد کشته‌شدگان کمتر از ۱۰ هزار نفر است، ولی متأسفانه در جهان امروز کسانی که ادعای صلح دارند با یک بمب اتم صدها هزار نفر را می‌کشند، آنها اسم صلح را یدک می‌کشند ولی در اصل خشونت را ترویج می‌دهند. هرگاه دشمنان اسلام نمی‌توانند منطق دینی را بپذیرند با خشونت وارد عمل می‌شوند، مبلغان ما باید در مقابل اینگونه حمله‌ها بایستند و تنها راه این است که اسلام اصیل را معرفی کنند و اسلام اصیل در سخن امام سجاد (ع) این نکته است که سخن حق، داوری عادلانه و وفای به عهد را نباید فراموش کنیم. مبلغان دینی ما نیز باید اصل را بر ساختار زندگی ائمه قرار دهند و اگر می‌خواهند از توحید و ولایت صحبت کنند بهتر است شفافیت‌های لازم را انجام دهند. ما باید چکیده‌های دین را آنگونه که اهل بیت (ع) فرمودند معرفی کنیم و برای تبلیغ دین، اولویت‌های دین را بشناسیم اگر اینگونه شود جامعه جهانی به سمت صلح و آرامش حرکت می‌کند و نباید فراموش کنیم که برای ترویج دین اسلام باید ظاهر و باطنمان یکی باشد. (غلامعلی ۱۳۹۲)

علمای تشیع، حقیقت تشیع را در راستای مقابله با شیعه‌هراسی به جهانیان معرفی کنند

بر اساس مبانی قرآن نقش رهبران دینی چه در هدایت به سوی باطل و انحراف و چه به سوی حق و صراط مستقیم نقشی برجسته است. در رابطه با نقش رهبران



دینی در جلوگیری از وقوع خشونت‌های مذهبی در جهان ما در زمینه اطلاع از میزان تاثیرگذاری و نقش‌آفرینی رهبران دینی در پرهیز از خشونت و گسترش صلح در سطح جوامع مختلف می‌توانیم به سراغ خود قرآن برویم. بر اساس مبانی قرآن نقش این رهبران چه در هدایت به سوی باطل و انحراف و چه به سوی حق و صراط مستقیم نقشی برجسته است. به تعبیر قرآن بعضی از رهبران هستند که مردم را هدایت و راهنمایی کرده برای اینکه مردم به بهشت راه پیدا کنند و قبل از آن در مسیر کمال قرار گیرند و بعضی از رهبران نیز هستند که انسان‌ها را در مسیر جهنم قرار داده و آنان را به سوی آتش دعوت می‌کنند. اگر ما بخواهیم در ارتباط با علمای شیعه و مسئولیتی که آنان دارند مطالبی را بیان کنیم باید بگوییم اولین کاری که باید در این عرصه انجام شود این است که حقیقت تشیع را به جهانیان معرفی کنند زیرا اگر این حقیقت معرفی شود معلوم می‌شود که توحید حقیقی درون این مذهب است. (مصطفی‌پور ۱۳۹۲)

رهبران دینی جهان با صدور فتوا مانع ترویج تروریسم شوند

رهبران دینی با صدور فتوا مانع کسانی شوند که با تمسک به دین و با اعمال ناشایستی چون ترور، ایجاد رعب و وحشت و کشتار بی‌گناهان می‌خواهند به اهداف خود برسند. موضوع ترور، ایجاد رعب و وحشت، کشتار بی‌گناهان و تعرض به نوامیس و همه انسان‌ها اعم از مردان، زنان، کوچک و بزرگ به هر عنوانی که صورت بگیرد عملی ناشایست و کاری خلاف شرع، دین، وجدان و اخلاق است. محکومیت چنین حرکت‌های ناهنجار و ناشایستی تنها مخصوص روسای ادیان و طوایف اسلامی و ... نیست، بلکه هر انسان صاحب نفوذ و جایگاه و مکانی در جامعه چه از نظر سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و دینی باید آنها را محکوم کند. بنابراین همه باید این حرکت‌های



ناهنجار را محکوم کرده و مانع انجام آنها شوند و به هر نحوی که می‌توانند با این حرکت‌ها و افراد ایجادکننده آنها مقابله کنند. باید همه بدانند که این رفتارها با هیچ منطق و دلیل شرعی قابل توجیه نیست، بنابراین یک مجموعه‌ای که خود را وهابی، تکفیری یا به هر عنوانی خود را معارض نظامی می‌داند، نمی‌تواند به خود اجازه دهد که چنین کارهایی انجام دهد. رهبران دینی به صورت خاص وظیفه دارند که این حکم شرعی را برای مردم بیان کنند، چون اعمال تروریستی به هر نحو خلاف شرع و خلاف دین است و ضدیت با اسلام و بندگان خدا و خلاف اخلاق و شرع است. رهبران دینی در این عرصه بیش از افراد دیگر وظیفه دارند تا مانع کسانی شوند که با تمسک به دین و با اعمال ناشایست می‌خواهند به اهداف خود برسند. آنان باید فتوا بدهند و نظر داده و در گفتگوهای تلویزیونی و حضوری و به عناوین مختلف از انجام چنین کارهایی جلوگیری کنند. (اختری ۱۳۹۲)

رهبران دینی با تصحیح سیاست‌ها از خشونت جلوگیری کنند

بدون تردید رهبران دینی در جلوگیری از خشونت و ترویج صلح نقش بسزا و تعیین‌کننده‌ای دارند. رهبران دینی از طریق فضا سازی، ایجاد فرهنگ صلح، فشار آوردن به سیاستمداران، تصحیح سیاست‌ها و همراه کردن سیاستمداران با اهداف صحیح اسلامی می‌توانند در جلوگیری از خشونت و ترویج صلح موثر و مفید باشند. بخشی از خشونت‌هایی که امروزه در جهان اسلام اتفاق می‌افتد ابعاد و توجیهات مذهبی دارد و طبیعتاً اگر بخواهیم خشونت‌ها کاهش پیدا کند و به نقطه مطلوب برسد و خاتمه پیدا کند نقش رهبران دینی است که می‌تواند موثر باشد. رهبران دینی هم از جهات مذهبی و هم از جهات فرهنگی در شروع و خاتمه خشونت‌ها و درگیری‌هایی که به نام دین و با ابعاد دینی صورت می‌گیرد نقش‌آفرین هستند.



در روند ایجاد صلح و تحقق و استمرار آن و با توجه به مسائل جهان اسلام بزرگان و رهبران دینی می‌توانند موثر واقع شوند و با توجه به نگاهی که وجود دارد و توجیهاتی که در قبال این اقدامات صورت می‌گیرد اثرگذاری و نقش رهبران دینی بسیار برجسته است. رهبران دینی از راه‌هایی می‌توانند به این هدف نائل شوند، اولین راه بعد فرهنگی و فضا سازی و ترویج فرهنگ صلح و نفی خشونت‌هایی است که اکنون در جهان اسلام صورت می‌گیرد. دومین اقدام این است که از طریق رهبران سیاسی و پست‌ها و مناصب سیاسی، سیاستمداران را به این سمت‌وسو سوق دهند و از آنها بخواهند که اقداماتی در این زمینه و برای جلوگیری از خشونت‌ها به عمل آورند. البته این مساله در کشورهای مختلف اسلامی حالات متعددی به خود می‌گیرد چرا که ممکن است در برخی دولت‌های جهان اسلام انگیزه و وظیفه‌ای برای مقابله با اینگونه اقدامات احساس نکنند در حالی که اصحاب سلطه می‌دانند که این خشونت‌ها می‌تواند در راستای حضور آنها در منطقه و بهره‌برداری از منافعی که در جهان اسلام دارند، باشد، بنابراین رهبران دینی از طریق فشار آوردن به سیاستمداران، تصحیح سیاست‌ها و همراه کردن سیاستمداران با خودشان می‌توانند موثر و مفید باشند. مساله اتحاد و همبستگی متفکران و علمای شیعه و سنی که مخالف این خشونت‌ها هستند می‌تواند تا حدودی جلوی آنها را بگیرد اما در سطح دیگر سازمان‌ها و نهادهای اسلامی همچون سازمان کنفرانس اسلامی می‌توانند بر جلوگیری از خشونت‌ها و ترویج صلح تأکید و توصیه کنند. قبل از اینکه عناصر فردی در این قضیه نقش ایفا کنند، عناصر سیاسی و تصمیمات سیاستمداران است که می‌تواند موثر باشد، بنابراین در این زمینه باید دولت‌های مسلمان نقش ایفا کنند و گروه‌ها و افرادی که بر طبل خشونت می‌کوبند را محدود کرده و به سمت‌وسوی حرکت دهند که همنوا با سایر بخش‌های جهان اسلام، همبستگی، وحدت و انسجام اسلامی را رعایت کنند. بدون تردید هر نوع خشونت و افراط به ضرر جهان اسلام و



مسلمانان و کشورهای اسلامی است که چهره خشونت‌طلبی از آنها در جهان ترسیم می‌کند و به صورت غیر مستقیم در جهت اهداف بیگانگان و سلطه‌طلبان است.

(لکزایی ۱۳۹۲)

رهبران دینی برای متوقف کردن افراط‌گری‌ها گفتگو را در دستور کار قرار دهند

همه رهبران دین و دولتمردان برای متوقف کردن هر نوع خشونت و حرکت‌های افراطی علیه انسان‌های بی‌گناه و بی‌دفاع تلاش کنند. با اشاره به نقش رهبران دینی و دولتمردان برای جلوگیری از ترویج خشونت و افراط‌گری در هر نقطه از دنیا می‌توان گفت، گفتگو، مخالف با خشونت و افراط‌گری است به طوری که هر جا وارد ایجاد فضای گفتگو شویم به معنای آن است که مخالف تدریج و خشونت هستیم. مشکل که اکنون گریبانگیر بسیاری از کشورهای جهان شده است سیاست‌های دوگانه برخی قدرت‌ها در برابر گروه‌های افراطی و حرکت‌های افراطی‌گرایانه است. به طوری که از یک طرف حامی این گروه‌های افراطی، گروه‌های تکفیری و تروریستی هستند و آنها را جزء دوستان خود می‌دانند اما از سویی دیگر خود را مخالف تروریست عنوان می‌کنند که این یک نوع پارادوکس و دوگانگی در رفتار آنهاست. متفکران و رهبران دینی باید در قالب گفتگوها و مذاکرات یک راه حل برای این مشکل ارائه کنند، باید حامیان تروریست‌ها و همان‌هایی که ادعای مخالفت با تروریست را می‌کنند تکلیف خود را با این جریان‌ها مشخص کنند و موضع شفاف در این زمینه ارائه دهند. ممکن است این گروه‌های افراطی در میان مسلمانان، مسیحیان، بوداییان و سایر دین‌های دیگر باشد، اما وظیفه رهبران دینی، سیاسی و نخبگان جامعه این است که جلوی افراط‌گری را بگیرند و فرهنگ گفتگو را در جامعه خود پیاده کنند. پیاده شدن فرهنگ گفتگو در جوامع سبب بالا رفتن امنیت جهانی و جلوگیری از خشونت‌ها خواهد شد.



باید همه اندیشمندان، فرهیختگان و رهبران دینی و سیاسی برای رفع این مشکل با گفتگو چاره‌اندیشی کنند و تلاش کنند این حرکت‌ها متوقف شود وگرنه این افراط‌گری‌ها قطعاً دامن همه را خواهد گرفت و همه دولت‌ها در آینده در برابر تروریست‌ها آسیب‌پذیر خواهند بود. این یک تجربه تاریخی است که این سیاست‌ها و حرکت‌ها به نفع هیچکس نیست و باید اصلاح شود. (حلمی ۱۳۹۲)

علما و اندیشمندان اسلام از هر فرقه و مذهبی با تندروی و رادیکالیسم مقابله کنند

علما و اندیشمندان اسلام از هر فرقه و مذهبی در سراسر دنیا باید با تندروی‌ها، خشونت‌ها و این نوع تکفیری که غیر خود را کافر می‌داند مقابله کنند. قرائتی که وهابیت خود را پیرو آن می‌داند به خاطر سخت‌گیری، روحیه خشک و متحجرانه از کمترین تعداد پیروان در میان مسلمین برخوردار است و خشونت‌ها و کشتارهایی که جریان‌های تکفیری به نام دین در کشورهای مختلف انجام می‌دهند از فجایعی است که امروز از آب‌شخور وهابیت در دنیا اتفاق می‌افتد. ریشه این خشونت‌ها و تندروی‌ها به تفسیرهای جاهلانه و متعصبانه از آیات قرآن کریم بر می‌گردد چرا که دین یک پیام رحمانی دارد و این دین رحمانی سخن خود را در هر سوره‌ای از قرآن کریم با «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع کرده است اما برخی از روی جهل و تعصب رحمت و وسعه خداوند را به گونه‌ای دیگر تفسیر می‌کنند. برخی دین را به عنوان ابزار خشونت و مروج نفرت، پرخاشگری و آدم‌کشی قرار می‌دهند. این گروه بدون توجه به اصول دین و موازین علمی و فقهی به صرف تصورات و تخیلات خود افراد را تکفیر می‌کنند و در تکفیر کردن هم افراط کرده و روحیه خوارجی دارند به طوری که هر کس کوچکترین زاویه‌ای از نظر مشی سیاسی و اعتقادی با آنها داشته باشد به راحتی او را کافر می‌پندارند و ریختن خون او را حلال می‌دانند. همه باید



علمای جهان اسلام را به نقش و رسالتی که در تبیین درست شریعت دارند توجه دهند، از سوی دیگر باید آن دسته از افرادی که متوجه نیستند را از افتادن در دام شیطان، هواپرستی، قدرت‌طلبی و بازیچه قدرت قرار گرفتن و فریب مال دنیا خوردن بر حذر داشت. علمای جهان اسلام از هر مذهب و فرقه‌ای که پیرو شریعت ناب محمدی (ص) و پایبند به احکام و آموزه‌های ناب قرآنی و اسلامی هستند نسبت به خشونت، تکفیر و تندروی مخالف بوده و از رواج آن جلوگیری کنند. (میرآقایی ۱۳۹۲)

رهبران دینی مراقب فتواها و موضع‌گیری‌های خود با نگاه صلح‌سازانه باشند

هرکس در هر مقام و موقعیتی افراط، بی‌رحمی، سنگدلی، خشونت و برخوردهای ناهنجار را در پیش بگیرد این رویه با روح دین ناسازگار و در جهت خلاف صلح‌سازی است. طبق روایتی از پیامبر خدا (ص) اگر علما و امرای ملت اصلاح شوند جامعه آنان اصلاح می‌شود، مردم به هر تقدیر و به هر شکل از دو طایفه نقش‌پذیر هستند که یکی علما و دیگری امرا هستند و اگر آنها انسان‌های خوش‌اخلاق باشند جامعه به سمت خوش‌اخلاقی خواهد رفت. امروز در جهان اسلام متأسفانه عده‌ای هنوز جایگاه مهر و محبت و روح عطوفت اسلام را نشناخته‌اند و با تکفیر دیگران و مباح دانستن خون آنان فجایعی به بار می‌آورند که برخی دولت‌ها نیز از این اقدامات سوءاستفاده می‌کنند. ریشه اکثر خشونت‌ها و حوادثی که در جهان اسلام و حتی در میان غیر مسلمانان اتفاق می‌افتد را می‌توان مباحث دینی و مذهبی عنوان کرد و علمای دینی و کسانی که محور معنوی مردم در جامعه هستند در ترویج صلح و صفا و جنگ و جدال و خشونت نقش عمده‌ای دارند. نقش رهبران دینی چه در روند صلح و چه در بروز جنگ‌ها و از سویی دیگر در جلوگیری از وقوع جنگ و خشونت نقش غیر قابل انکار، عینی و واقعی است و به راحتی می‌توان آن را در



تاریخ دنبال کرد به طوری که وقتی تاریخچه جنگ‌های صلیبی را مطالعه می‌کنیم می‌بینیم برخی از علماء، راهبان و کشیشان مسیحی نقش زیادی در راه انداختن این جنگ‌ها داشته‌اند و از آن طرف نزاع‌هایی که بین فرقه‌های مذهبی رخ می‌دهد ریشه در این اشخاص دارد. رهبران دینی از هر فرقه و مذهبی باید بدانند ممکن است با یک جمله خون افراد زیادی به ناحق ریخته شود و این افراد مسئول این اتفاقات و فجایع هستند. بنابراین باید مراقب فتواها، موضع‌گیری‌ها و گفتارهای خود باشند که چنین اتفاقاتی به وجود نیاید. (کلباسی ۱۳۹۲)

رهبران دینی بیان صریح آموزه‌های صلح‌سازانه را در دستور کار قرار دهند

هر کسی که به نام دین خشونت را ترویج دهد با خود دین زوایه پیدا کرده است چون دین هیچگاه نمی‌خواهد که به بندگان و مخلوقات خدا آسیب بزند. از بزرگ‌ترین کارکردهای دین ایجاد لطافت در زندگی و ترویج نرم‌خویی و محبت است. اصولاً باید دانست که دین اگر دین است کارکرد ایجاد لطافت و نرم‌خویی جزء ذات آن است و باعث می‌شود تا دنیاگرایی و دنیاپرستی در انسان تضعیف شود. آنچه مایه اختلاف، نزاع و خشونت است دنیاطلبی است. از اینرو دین با جلب توجه انسان به بارگاه الهی باعث می‌شود وی از مادیات و منافع مادی خود نیز چشم‌پوشد و از امور جاری، ساری و پیش پا افتاده‌ای که در زندگی روزمره با آن درگیر است فاصله پیدا کرده و دید و سطح نگاه انسان را ارتقاء می‌دهد. در نتیجه این ارتقاء، در چشم انسان متدین و موحد، بسیاری از چیزهایی که مبتذل هستند و منشا اختلافات و نزاع‌ها هستند بی‌ارزش می‌شوند. بنابراین رهبران دینی هم اگر ارزش‌های دینی را به جامعه منتقل کنند و با بیان صریح آموزه‌های صلح‌سازانه موجب کاهش مادی‌طلبی و منفعت‌طلبی‌ها در جامعه شوند، آنگاه عالم دینی واقعی خواهند بود. اگر رهبران



دینی، دیگران را «دیگری» ندانند و هر چیزی را برای خویش نخواهند و باعث افزایش رذایل در جامعه نشوند این باعث تقویت جایگاه آنان در جامعه خواهد شد. هیچ عاملی نه قانون بشری و نه مقررات و الزامات سازمان‌های بین‌المللی و نه هیچ دستگاه و نهادی بشری در جهان امروز در تخفیف جرائم، خشونت‌ها و نزاع‌ها به میزان تاثیر رهبران دینی در جامعه بشری نقش‌آفرین نیستند. ترویج‌کنندگان خشونت در میان معتقدان به همه ادیان وجود دارند و قطعاً هر کسی که به نام دین چنین اقدامی می‌کند با خود دین زوایه پیدا کرده چون دین هیچگاه نمی‌خواهد که به بندگان و مخلوقات خدا آسیب بزند و هر کسی که از بندگی خدا فاصله بگیرد مطرود است. گاه دین آن است که انسان‌ها «عیال‌الله» هستند و طبیعت خلقت الهی بوده و مقدس است و نباید آن را تخریب کرد و انسان کرامت انسانی دارد که خداوند آن را به وی عطا کرده است و اگر چنین نگاهی داشته باشیم نباید به ترویج خشونت دامن بزنیم. (رشاد ۱۳۹۲)

رهبران دینی گفتگوهای فرهنگی برای صلح‌سازی را در دستور کار قرار دهند

همزیستی، تفاهم، گفتگو، اتحاد و تقارب فرهنگ‌ها، هر کدام بعدی از گوهر هزارگوشه تعامل فرهنگ‌ها را نمایش می‌دهند. هم‌افزایی فرهنگی نیز می‌تواند وجهی دیگر از تعامل سازنده میان فرهنگ‌ها را ارائه دهد. هم‌افزایی فرهنگ‌ها در فضای تنوع فرهنگی و همکاری و تعامل سازنده میان فرهنگ‌ها به همکاری ملت‌ها برای دستیابی به صلح پایدار در جهان منجر می‌شود. (رسولی ۱۳۹۴)

امروز، جریان‌های فکری و عملی افراطی از مرزهای سیاسی و جغرافیایی فراتر رفته و پدیده‌ای جهان‌شمول گشته است به طوری که خودمحوری و خودخواهی و زورگویی و خشونت در ابعاد و سطوح مختلف در گوشه و کنار جهان، آشکارا دیده می‌شود.

(رسولی ۱۳۹۴)



این مهم با توجه به چالش‌های معاصر از جمله خشونت و افراط‌گری مضاعف گشته است به گونه‌ای که رهبران دینی در حوزه مناسبات فرهنگی و در تقابل با گروه‌های افراطی تکفیری، نشست‌ها و همایش‌های متعددی را برگزار کرده و یا در برنامه‌های آتی خود دارد. این رهبران همچنین، از طریق رایزنی‌های فرهنگی خود در اجرا و یا مدیریت برنامه‌های فرهنگی توانسته‌اند به موفقیت‌های چشمگیری نائل شوند. (رسولی ۱۳۹۴)

تلاش برای امضای موافقتنامه‌های فرهنگی و برنامه اجرایی مبادلات و پیگیری مفاد آن، تاسیس کرسی‌های ادیان‌شناسی در دانشگاه‌های جهان، ایجاد دوره‌های شیعه‌شناسی، اسلام‌شناسی و سایر ادیان‌شناسی در دانشگاه‌های مختلف به منظور معرفی اسلام ناب و ترویج صلح از نگاه اسلام و نگاه سایر ادیان به صلح تنها بخش ناچیزی از این موفقیت‌ها است که می‌توان به آنها اشاره کرد. (رسولی ۱۳۹۴)

از اهداف رهبران دینی به عنوان متولی فعالیت‌های فرهنگی، می‌توان به گسترش مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام مختلف، عرضه صحیح فرهنگ صلح، مقابله با توطئه‌های تفرقه‌انگیز دشمنان و دفاع از حقوق مسلمانان و حقیقت‌جویان، فراهم آوردن زمینه‌های وحدت میان مسلمانان، مومنان و حقیقت‌خواهان جهان بر اساس اصول مسلم دینی، رشد و ارتقاء و اصلاح وضع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیروان مذاهب، تقویت و تعمیق زمینه‌های بحث و گفتگو با مجامع و علمای ادیان الهی و ... اشاره کرد. (رسولی ۱۳۹۴)

نتیجه‌گیری

عصر حاضر، آغازگر جنگ‌ها و درگیری‌ها و خشونت و افراط‌گری‌هایی بوده و مصیبت‌های بی‌پایانی را در عرصه بین‌الملل موجب شده است. در این دوره، دستیابی



به صلح در بخش‌هایی از دنیا، بیش از همیشه به یک توهم تبدیل شده است. صلح یک آرمان جهانی تلقی می‌شود و بی‌شک در پرتو همزیستی مسالمت‌آمیز بشریت به ارمغان خواهد آمد. امروز، لازمه ایجاد صلح، درک واقعیت‌های جدید جنگ و خشونت و تلاش در جهت رفع آن است. خشونتی که از طریق آن، جان انسان‌ها و هویت‌های آنها در نقاط مختلف جهان در قالب حمله به قلب ارزش‌های فرهنگی و مذهبی مردم ترویج پیدا کرده، باید از بین برود.

صلح، آرمان متعالی جامعه بشری و رسالت ادیان الهی است که بشر آن را در مقاطع مختلف تاریخ حیات خود به صورت‌های گوناگون از جمله گفتگوهای بین دینی پیگیری نموده است. دین مبین اسلام که خود منادی صلح در جهان است در آموزه‌های خود به خوبی اهمیت این اصل را مشخص می‌سازد. بسیاری از اندیشمندان و متفکرین حاضر امیدوارند در تداوم گفتگوهای مثبت و سازنده دینی به عالیترین و بهترین هم‌اندیشی و همکاری در عرصه بین‌الملل دست یابند. همچنین، نیل به جهانی عاری از خشونت و افراط‌گری، علاوه بر تلاش دولت‌ها به طور معمول، نیازمند فعالیت رهبران دینی است که خود را وقف تحقق صلح، امنیت، عدالت و سایر ارزش‌ها و آرمان‌های والای انسانی کنند. بدین جهت می‌طلبند که رهبران دینی در همه جوامع، همانگونه که نقش رهبری‌کننده در جوامع دارند در ایجاد صلح و امنیت بکوشند.

رهبران دینی می‌توانند راهکارهای زیر را از منظر دینی برای صلح‌سازی در روابط بین‌الملل صورت دهند. این راهکارها عبارت از گفتگوهای بین دینی، مشورت رهبران دینی با یکدیگر، شناساندن ارزش‌های مبتنی بر صلح ادیان و به ویژه اسلام به عنوان دین صلح و دوستی، معرفی حقیقت ادیان بویژه اسلام و تشیع به جهانیان، صدور فتوا برای عدم ترویج تروریسم، تصحیح سیاست‌ها برای جلوگیری از خشونت، گفتگو با هدف چاره‌اندیشی برای متوقف کردن افراط‌گری‌ها، مقابله با تدریج‌ها



و رادیکالیسم، فتواها و موضع‌گیری‌های صحیح با نگاه صلح‌سازانه، بیان صریح آموزه‌های صلح‌سازانه جهت بیان حقایق دین و استفاده از گفتگوهای فرهنگی برای ایجاد نزدیکی و همکاری می‌باشد.

در حوزه فرهنگی تلاش برای امضای موافقتنامه‌های فرهنگی، تاسیس کرسی‌های ادیان‌شناسی در دانشگاه‌های جهان و ایجاد دوره‌های شیعه‌شناسی، اسلام‌شناسی و سایر ادیان‌شناسی در دانشگاه‌های مختلف در جهت صلح‌سازی بسیار موثر خواهد بود.

تحقق این عوامل، نوعی همراهی و همدلی بین رهبران دینی را می‌طلبد. این همراهی باید با توجه به عنصر مدارا و تحمل یکدیگر باشد که تنها عامل تکامل اخلاقی و معنوی جوامع اسلامی و اقتدار آنان است.



منابع

- ۱- اختری، محمدحسن (۱۳۹۲)، نقش رهبران دینی در جلوگیری از خشونت، ۹ آذر ۱۳۹۲، قابل دسترس در سایت خبرگزاری ایسنا به آدرس: <https://www.isna.ir/news/۹۲۰۹۰۶۰۴۰۶۴>.
- ۲- اعتمادی، رحمت‌الله (۱۳۹۱)، صلح از نظر دین مقدس اسلام، ۳ آذر ۱۳۹۱، قابل دسترس در سایت به آدرس: <http://www.rahmatullah.blogfa.com/post/۲۸>.
- ۳- انیس، ابراهیم، منتصر، عبدالعظیم، الصوالحي، عطيه، محمدخلف، احمد (۱۳۸۹)، المعجم الوسيط، ترجمه محمد بندر ریگی، جلد ۱، انتشارات اندیشه اسلامی.
- ۴- برزنونی، محمدعلی (۱۳۸۴)، اسلام، اصالت جنگ یا اصالت صلح؟، نشریه مرکز امور حقوق بین‌المللی معاونت حقوق و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۳.
- ۵- بوازار، مارسل (۱۳۶۱)، اسلام در جهان امروز، ترجمه د. م. ی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۶- بوازار، مارسل (۱۳۶۹)، اسلام در جهان امروز، ترجمه مسعود محمدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۷- بوازار، مارسل (۱۳۵۸)، اسلام و حقوق بشر، ترجمه محسن مویدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۸- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران، انتشارات مجد.
- ۹- پورامان، وحید (۱۳۹۶)، صلح در روابط بین‌الملل از منظر ادیان ابراهیمی، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۶، قابل دسترس در سایت خبرگزاری ایسنا به آدرس: <https://www.isna.ir>.



۱۰- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۴)، ترمینولوژی حقوق، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات گنج دانش.

۱۱- حسینی، سید ابراهیم (۱۳۸۲)، اصل منع توسل به زور و موارد استثنای آن در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر، بخش سوم، چاپ اول، قم، انتشارات معارف.

۱۲- حلمی، علی محمد (۱۳۹۲)، نقش رهبران دینی در جلوگیری از خشونت، ۹ آذر ۱۳۹۲، قابل دسترس در سایت خبرگزاری ایسنا به آدرس: <https://www.isna.ir/>
./۹۲۰۹۰۵۶۹۰/news

۱۳- خبرگزاری دفاع مقدس (۱۳۹۳)، تبیین جایگاه صلح در آیات قرآن و تعالیم اسلامی، ۶ مرداد ۱۳۹۳، قابل دسترس در سایت خبرگزاری دفاع مقدس به آدرس: <https://defapress.ir/> ۲۴۳۰۴.

۱۴- دانش‌پژوه، مصطفی، خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۹۰)، فلسفه حقوق، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۱۵- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، جلد ۹، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۶- رسولی، نوید (۱۳۹۴)، نقش سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در ترویج صلح، ۱۶ آذر ۱۳۹۴، قابل دسترس در سایت خبرگزاری مهر به آدرس: mehrnews.com/xxstH.

۱۷- رشاد، علی اکبر (۱۳۹۲)، نقش رهبران دینی در جلوگیری از خشونت، ۷ دی ۱۳۹۲، قابل دسترس در سایت خبرگزاری ایسنا به آدرس: <https://www.isna.ir/>
./۹۲۱۰۰۷۰۳۲۵۷/news

۱۸- سیمبر، رضا (۱۳۹۵)، انقلاب اسلامی و صلح‌سازی برای مدیریت جهان عاری از خشونت، بایسته‌ها و چالش‌ها، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۷، بهار ۱۳۹۵.



۱۹- شاکرین، حمیدرضا (۱۳۸۷)، صلح و جنگ در اسلام، قسمت اول، مجله معارف، شماره ۵۶، خرداد ۱۳۸۷.

۲۰- شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۸)، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، نامه ۵۳، جلد ۱، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۱- عمید، حسن (۱۳۹۳)، فرهنگ فارسی عمید، جلد ۲، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.

۲۲- غروی، محسن (۱۳۹۲)، نقش رهبران دینی در جلوگیری از خشونت، ۱۱ آذر ۱۳۹۲، قابل دسترس در سایت خبرگزاری ایسنا به آدرس: <https://www.isna.ir/> ۹۲۰۹۱۱۰۷۴۱۸/news.

۲۳- غلامعلی، احمد (۱۳۹۲)، نقش رهبران دینی در جلوگیری از خشونت، ۱۸ آذر ۱۳۹۲، قابل دسترس در سایت خبرگزاری ایسنا به آدرس: <https://www.isna.ir/> ۹۲۰۹۱۸۱۲۵۴/news.

۲۴- قرآن کریم.

۲۵- قربانی، زین العابدین (۱۳۷۵)، اسلام و حقوق بشر، چاپ پنجم، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

۲۶- کلباسی، مجتبی (۱۳۹۲)، نقش رهبران دینی در جلوگیری از خشونت، ۱۹ آذر ۱۳۹۲، قابل دسترس در سایت خبرگزاری ایسنا به آدرس: <https://www.isna.ir/> ۹۲۰۹۱۹۱۳۰۳۱/news.

۲۷- لک زایی، شریف (۱۳۹۲)، نقش رهبران دینی در جلوگیری از خشونت، ۱۷ آذر ۱۳۹۲، قابل دسترس در سایت خبرگزاری ایسنا به آدرس: <https://www.isna.ir/> ۹۲۰۹۱۷۱۱۴۴۷/news.

۲۸- مبلغی، احمد (۱۳۹۲)، نقش رهبران دینی در جلوگیری از خشونت، ۱۲ آذر



۱۳۹۲، قابل دسترس در سایت خبرگزاری ایسنا به آدرس: <https://www.isna.ir/>
./۹۲۰۹۱۲۰۸۰۶۹/news

۲۹- مصطفی‌پور، محمدرضا (۱۳۹۲)، نقش رهبران دینی در جلوگیری از خشونت،
۳۰ آذر ۱۳۹۲، قابل دسترس در سایت خبرگزاری ایسنا به آدرس: <https://www.isna.ir/>
./۹۲۰۹۳۰۲۰۱۷۹/news

۳۰- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶)، جهاد، تهران، انتشارات صدرا.

۳۱- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، جهاد و موارد مشروعیت آن در قرآن، قم، جامعه
مدرسین حوزه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۳۲- معین، محمد (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، جلد ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۳۳- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، جلد ۲، تهران، انتشارات دارالکتب
الاسلامیه.

۳۴- میرآقایی، سید جلال (۱۳۹۲)، نقش رهبران دینی در جلوگیری از خشونت، ۱۰
آذر ۱۳۹۲، قابل دسترس در سایت خبرگزاری ایسنا به آدرس: <https://www.isna.ir/>
./۹۲۰۹۱۰۰۶۵۰۴/news

۳۵- نعمت‌اللهی، همایون (۱۳۷۹)، واژه‌نامه سیاسی ویژه نوجوانان و جوانان، تهران،
انتشارات عباسی.

